

برخورد دوگانه با خصوصی سازی

محسن ایلچی

اگر چه دولت به دلیل الزامات و ملاحظات موجود در برنامه سوم توسعه در خصوص اجرای سیاست خصوصی سازی به روند واگذاری سهام شرکت های دولتی همچنان ادامه می دهد ، اما فضای عمومی کشور به دلایل متعدد با خصوصی سازی و کاهش تدریجی تصدیگری دولت برخورد دوگانه ای دارد .

از یک سو دولت و تصمیم گیران اقتصادی نوبت می دهند که واگذاری واحدهای دولتی یک گام از اصلاحات اقتصادی در کشور است و از سوی دیگر جامعه با نگرانی نظاره گر آن است ، که هنوز لایه های زیرین و حتی فوقانی جامعه با «بیام و امید» به روند خصوصی سازی نگاه می کنند و حتی برخی آن را مذموم می پندارند . به هر حال ، بخشی از این رویکردهای دوگانه به اجرای سیاست خصوصی سازی ، از سوی محافل سیاسی رسانه ها و حتی فعالان محافل آکادمیک در جامعه پمپاژ می شود .

برای شفاف شدن و تشریح رویکرد دوگانه حکومت دولت و مردم به خصوصی سازی می توان به موضوع ضرورت یا عدم ضرورت جذب سرمایه های خارجی در کشور اشاره کرد . تا زمانی که مجمع تشخیص مصلحت نظام بر ضرورت اصلاح قانون مزبور تاکید نکرده بود ، این قانون اصلاح و سیاست های جذب و جلب سرمایه گذاری خارجی در کشور باز تعریف نشده و همچنان بحث جذب یا جذب نشدن سرمایه یگانگان به کشور در محافل سیاسی موضوعی جدی پنداشته نمی شد .

به نظر می رسد هر چه موضوع و اجرای برنامه خصوصی سازی در بخش های اجتماعی و فرهنگی عملیاتی می شود و شتاب می گیرد ، واکنش افراد جامعه را نسبت به روند واگذاری تصدی گری دولت بیشتر بر می انگیزد ، چون که حساسیت عمومی نسبت به مسوولیت ها و خدمات اجتماعی دولت که اکثریت افراد جامعه از آن بهره مند می شوند ، بیشتر است . در صورتی که به نظر می آید اگر سیاست یا ابعاد اجرایی برنامه خصوصی سازی در کشور به صورت مشارکتی (و نه فقط برای درآمد دولت) طراحی و اجرا می شد ، به طور قطع مردم یا نسبت به کل سیاست های خصوصی سازی در کشور واکنش مثبت نشان داده و از آن حمایت می کردند و یا این که بر اساس برنامه خصوصی سازی به مخالفت بر می خواستند .

بنابراین ، بدیهی است که به دلیل نبود اطلاع رسانی شفافیت در اجرای این سیاست ، کاستی های مشهود در بسط سازی فرهنگی و نبود چرخش اطلاعات (به عنوان یک کالای عمومی) مجری این سیاست یعنی دولت نتوانسته است عموم افراد جامعه را نسبت به سرنوشت این «سیاست اقتصادی» آگاه سازد و باز بدیهی است اگر رویکرد دوگانه (تنبیهی و تشویقی) نسبت به این تصمیمات کشوری وجود دارد ، به خاطر شکست اطلاعاتی در بازار خصوصی سازی است .

جدای از افراد و گروه هایی که با اغراض سیاسی ، جناحی و ایدئولوژیک با سیاست و برنامه (نیم بند) خصوصی سازی در کشور ابراز مخالفت می کنند ، بدیهی عموم افراد جامعه نسبت به خصوصی سازی تا اندازه زیادی به نبود اطلاعات شفاف از روند اجرایی خصوصی سازی در کشور باز می گردد . مردم می پرسند: بازه و اثر بخشی اجرای این سیاست چه

برده است؟ غیر از این بوده که بخشی از هزینه های جاری و بودجه دستگاه های سه قوه تامین شده است؟ (گفته می شود فقط در طول سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۰ حدود ۸۰۰ میلیارد تومان سهام واحدهای دولتی بابت بدهی به صندوق بازتشتگی و تامین اجتماعی واگذار شده است .) مردم می پرسند: نزدیک به ۱۰ سال است که برنامه خصوصی سازی در کشور با فراز و فرودهای مختلف پیگیری می شود (نقطه در فاصله سال های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰ دو وزارتخانه صنایع و اقتصاد حدود ۸۳۰ میلیارد تومان سهام واگذار کرده اند) اما این واگذاری ها چه تاثیری بر سرنوشت حیات اقتصادی و اجتماعی افراد جامعه داشته است؟ مردم می پرسند: بخش خصوصی در کشور کدام بخش است که آن را بازنشاسی کنند؟ آیا خرید سهام عمده به صورت «بلوک» و خرید یک جای سهام یک شرکت دولتی از سوی شرکت های سرمایه گذاری در بورس ، بنیادها و نهادهای بانک ها ، سازمان تامین اجتماعی و سازمان بازنشستگی که هر یک دارای منابع مالی قدرتمند هستند و عملکردشان در فضای سایه و روشن تعریف می شود، آیا این خصوصی سازی است؟ بیچاره خصوصی سازی!

آنگون حدود ۷۵ تا ۳ میلیون نفر سهامدار در بورس تهران دارای سهام هستند چه تعداد از این افراد از طریق اجرای سیاست خصوصی سازی در چند سال اخیر در کشور منتفع شده اند؟

آیا آمار و اطلاعاتی در سازمان خصوصی سازی وجود دارد که «خبرداران جزء» سهام واحدهای دولتی عرضه شده ، چه تعداد هستند و چه مقدار سهام خریداری کرده اند؟ آیا اطلاعاتی وجود دارد و برای افکار عمومی قابل انتشار است که در روند واگذاری سهام واحدهای دولتی «دارندگان اطلاعات محرمانه» چه تخلفاتی صورت داده اند؟ آیا تخلفی در این زمینه صورت گرفته است یا خیر؟

اینها فقط بخشی از سوالات و ابهامات عمومی در خصوص «حباب خصوصی سازی» در کشور است که چون به صورت گره های کور در اذهان عمومی وجود دارد و بر اساس عملکرد دولت تقویت شده ، بنابراین طبیعی است که «سیاست خصوصی سازی دولتی» با رویکردی دوگانه در جامعه مواجه شود.

آیا قرار است ، این گونه سیاست خصوصی سازی در برنامه چهارم توسعه دنبال شود؟ بیچاره خصوصی سازی!